



# آموزش اعتقادی دینی اخلاقی کودکان زیرشش سال



موضوع سخنرانی سیدضیاءالدین - صدری  
در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

قوای ذهنی کودک به سرعت رشد پیدا می کند چون برخوردهای بیشتری با اطرافیان دارد و این پیشرفت ذهنی، از حرف زدن بچه ها کاملاً "مشهود است و نشان می دهد که چگونه می - اندیشند. در این دوره کودکان از خدا و دین و نماز و این جور چیزها سؤال می کنند و شکل می - گیرند. در این دوران سنی - بهتر است بدانیم - رشد ذهنی یا تربیت ذهنی یا به اصطلاح وسعت ذهنی کودکان از نظر دختر و پسر زیاد با هم فرقی ندارد. بنابراین می توانیم تا حدی یکنواخت با آنها برخورد کنیم. ما به عنوان یک پدر، یک مادر و یا معلم و مربی باید الگویی باشیم متناسب با آنچه که از بچه ها می خواهیم باشند والا شما می دانید کودک تا شش سالگی شدیداً "تقلید می کند، مخصوصاً" کودکان سنین ۲، ۳، ۴ ساله آنها عکسبرداری دقیق از رفتار پدر و مادر می کنند. بخاطر دارم که کودکی ۱/۵ ساله در خانه داشتیم این بچه شروع کرده بود به حرف زدن و تا حدی خوب حرف می زد، با مسائلی آشنایی داشت، دقت بفرمائید یک چیز پیش پا افتاده اتفاق افتاد و این نشان دهنده دقیق تقلید رفتار بزرگتران از سوی کودک بود. وقتی من چای شیرین می خوردم گاهی که مقداری آب ته نعلبکی وجود داشت هر وقت استکان را می خواستم توی نعلبکی بگذارم آنرا کج می گذاشتم برای اینکه وقتی استکان را راست قرار میدهم موقعی که مجدداً "برمی داریم آب داخل نعلبکی از زیر استکان چکه می کند اما اگر

آن را کج قرار بدهیم آب را به خود نمی گیرد و بعد وقتی آن را برمی داریم روی مثلا "لباسمان چکه نمی کند. این یک کار خیلی ساده‌ای بود و شاید خیلی ها هم اینکار را می کنند. یک روز دیدم پسر ۱/۵ ساله‌ام موقع صبحانه خوردن مرا صدا زد گفت بابا ، بابا ، نگاه کنید ، نگاه کردم دیدم به من نشان می دهد که من هم استکان را کج گذاشته‌ام . بدون اینکه بداند حکمت این کار چیست ، من برای چه این کار را می کنم . اما می خواهم بگویم بچه‌ها از کوچکترین رفتار پدر و مادر و مربی تقلید می کنند . و بهترین راه تربیت الگو بودن است. پس مربی باید الگو باشد والا پند و اندرز اگر هم چیزی یاد بدهد ، درسین بالاست ، ویا اینکه درجوار این تقلید است که می شود گاهی وقتها سخنانی پند آمیز و بازبان درخور فهم بچه‌ها بصورت محبت آمیز به آنها عرضه کرد، ولی عمده همین الگو بودن است که ما نباید این مطلب را فراموش کنیم لذا من می گویم بروالدینی که واقعا " خدا شناسند ، خودشان خوش اخلاقند و خدا و اخلاق را یک امر خیالی نمی دانند ، باید به آنها تریک گفت و به حالشان غبطه خورد برای اینکه بهترین انسان ها را اینها پرورش می دهند .

درخانه ، پدر و مادر باهم با محبت حرف می زنند، باصمیمیت برخورد می کنند، اگر ایراد و اشکالی به همدیگر دارند باهم دعوا نمی کنند با زبان محبت و نه درحضور کودکان ، به همدیگر تذکر می دهند ، عصبی نمی شوند، حالت‌های خشونت به خودشان نمی گیرند . حال باید دید این افراد در مورد مسائل دینی چه کار می کنند؟ مثلا " در کارهای خیلی ساده ، غذا می خورند با یک اخلاصی بسم الله الرحمن الرحیم می گویند . حتی در کارهای ساده کلمات لازم را از ته دل بیان می کنند : " خدایا امیدم به توست " و اینها طوری ادا می شود که خود بخودی و اتوماتیک است . کودک در کنار چنین والدینی در معرض چنین تربیتی قرار دارد. یا وقتی فرزند دیگری را می بیند از خانه می شود به او می گویند شما را به خدای مهربان سپردم ، دقت بفرمائید ، نمی گوید به خدا سپردم بلکه به " خدای مهربان " سپردم، انشالله که خدای مهربان شما را حفظ بکند. اینها همان تلقینات و تربیت های دینی غیر مستقیم است و به صورت الگو و نمونه بودن پدر و مادر است که بچه‌ها از اینها برداشت می کنند. یک مادری احساس ناراحتی می کند یک وقت سربلند می کند و خطاب به خدا می گوید : خدایا این چه زندگی بود به من دادی ؟ همین یک جمله مادر یا پدر که " خدایا چه زندگی بود به من دادی " دقیقا " بچه را نسبت به خدا بدبین می کند ، این چه خدائست که مرض می دهد ، نداری می دهد اوقات تلخی می دهد و گاهی وقتها دعوا می دهد . بهترین راه تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک همین است که خودمان با محبت و با اخلاص بنده خدا باشیم .

در مورد نماز خواندن مثلا " ما خیلی دلمان می خواهد بچه‌های ما مخصوصا " دختران درسش سالگی یواش یواش شروع کنند به نماز خواندن . ما با گفتن این جمله که " دختر تو بزرگ شدی باید نماز بخوانی " به آرزویمان نمی رسیم بلکه به عنوان والدین باید نمازمان را با اخلاص بخوانیم ، به خدایمان دعا کنیم ، با قلبی پر محبت خدا را بخوانیم، آن وقت است که ، این بچه لذت می برد و تشویق می شود . گاهی از اوقات دیده‌اید بچه‌ها با نماز گزار بازی

می کنند. یکی از نکته‌های مهم تربیت دینی همین جاست، با نماز گزار بازی می کند ، می آید به پروپايش می پیچد، به کولش می پرد ، مهر و جانمازش را بر می دارد. حالا بیایم ببینیم رفتار یک پدر اینچا چگونه است که چهرا از نماز و خدا فراری می دهد یا بچه را به سوی خدا و نماز جلب می کند . پدر مشغول است و نماز می خواند پسر ۳ ساله اش می آید مَهر را برمی دارد و خندان به راه می افتد، پدر هم سرنماز است شروع می کند با عصبانیت الله اکبر ، الله اکبر می گوید یواش یواش باخسونت و عصبیت به او نگاه می کند ، چشم غره می رود، وقتی هم نمازش تمام شد شروع به دعوا یا بچه می کند . اولاً " باید به این پدر گفت آیا حتماً " شما باید به مهر سجده کنید؟ آخر چرا ما اینقدر مسلمان ناآگاه باشیم ، نماز ترا با خوشرویی تمام کن ، وقتی هم نمازت تمام شد درحالی که آن بچه ناظر حرف زدن تو است خطاب به مادر یا برادرنگو مگر شما کور بودید که نگذارید این مهر را بردارد . دقت کنید خسونت ، عصبیت ، لفظ بد ، کور بودن دعوا کردن ، همه این رفتارها با توجه به اصل مجاورت درتداعی معانی ( روانشناسی ) با نماز همراه می شود . پیغمبر ما به ما درس می دهد، ما متوجه نمی شویم یا مطلب را نمی گیریم ، حضرتش به سجده رفته ، حسنین ( امام حسن و امام حسین ) آن موقع البته امام نبودند سه چهار سالسه بودند به پشت حضرت می پرند ، حضرت آنقدر سجده را طول می دهند که بچه غذای بازی اش را بخورد ، آخر احتیاج به بازی دارد ، نیاز سنش است، او نمی داند عبادت چیست ، اطاعت چیست خدا کیست، بنده کیست . بچه سه چهار ساله بازی می خواهد و در حال سجده بهترین موقعیت را پیدا کرده می پرد روی شانه و پشت جدش رسول خدا آنقدر آنحضرت معطل می شوند تا اینها بازیشان تمام می شود و پایین می آیند و وقتی ، نمازشان تمام می شود باقیافه خندان و چهره زیبای متبسم ، رو به دو نوه اش می کنند و می گویند : " به خدا قسم شما بهترین شترها را



داشتید". چرا یاد نمی گیریم؟ این است اخلاق رسول خدا که قرآن به او می فرماید "ای رسول اگر این اخلاق حسنه رانداشتی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند. " بلی بچه‌های ما را اخلاق ما از اطرافمان پراکنده می کند، دوستان ما را، افراد خانواده ما را خلق بد ما پراکنده می کند و خدای ناکرده ما احساس تنهایی می کنیم بعد می نالیم که چرا کسی ما را نمی فهمد، من چه کسی را می فهمم تا دیگران مرا بفهمند. همین تربیت دینی رسول خدا باعث می شود که امام حسین ۶۵ ساله - مئا سقانه ما از عمر شریف ۵۶ ساله اش فقط ۶ ساعت را می شناسیم آن هم درحالی که درجنگ است، در صحرای کربلاست - در آن بحران دعوا امام می فرماید وقت ظهر است نماز را بخوانیم. بلی درحالی که باران تیر از طرف دشمن می بارد امام می فرماید نماز را بخوانیم چرا؟ برای اینکه از نماز خاطره خوش دارد. ولی بچه سه ساله ما ناظر رفتار آنچنانی ما است. دختر چهارده ساله یا پسر شانزده ساله را خدای ناکرده با لحن خشن یا با لگد بیدارش می کنیم یا شو وقت نماز گذشت یا . . . ببینید تربیت دینی فرزند ما تواءم با خشونت، کتک، قهر، قیافه اخمو و حرفهای زشت با دیگران زدن است، اونمی تواند بعدها از دین خاطره خوش داشته باشد و غیر ممکن است رشد دینی مطلوب بکند. عرض کردم با نصیحت گفتن هم مانند این که: " باید نماز بخوانی"، "باید" "روزه بگیری"، " آدم بایسد خوش اخلاق باشد" و . . . اینها درصد ضعیفی در کودک و نوجوان اثر دارد. یک مثالی خدمتتان بگویم: یک پدری فرزندش را نصیحت می کند، پسر اینقدر شیطنت نکن، اینقدر با بچه‌های مردم دعوا نکن، چرا پسر همسایه را کتک زدی؟ چرا شیشه همسایه را شکستی؟ آخر من شرم می کنم، خجالت می کشم، واز این قبیل حرفها. بعد بر می گردد با پسرش آرام و محبت آمیز حرف می زند و چنین ادامه می دهد: پسر جان تو نمی دانی وقتی پسر یک کار زشت می کند پدراز غصه یک تار مویش سفید می شود، فهمیدی پسرم یا نه؟ می گوید بله بابا فهمیدم ولی لحظه‌ای بعد ترسان و لرزان می گوید بابا یک چیز دیگر هم فهمیدم. پدر خیال می کند آنقدر خوب حرف زده که او یکی را گفته پسرش دو مطلب گرفته. هان، بارک‌الله آفرین پسر بگو ببینم دیگر چه فهمیدی.

می دانید چی جواب داد؟ سرش را پائین انداخت و گفت: بابا حالا فهمیدم چرا بابا بزرگ همه موهایش سفید شده. دقت فرمودید؟ فرزندان ما دردها دارند، حرفها دارند، با پند و نصیحت گویی نمی شود واقعا" کاری کرد. خوب حالا شما به این پسر بفهمانید که بابا بزرگ هشتاد سالش است، او پیر شده، پیرها موهایشان سفید می شود. می گوید بابا بزرگ همه موهایش سفید شده، یعنی ببین توجه بلایی سرش آورده‌ای. گاهی وقتها بچه‌های ما، دانش آموزان ما، این بچه‌های مهدکودک، آدھایی که چهار پنج سالشان است چیزها می فهمند. به ما بله بله می گویند لکن نباید اشتباه کنیم و مغرور شویم و با خود بگوییم به به حرفهای مرا تحویل گرفت چه زیبا و موثر حرف زدم. این طور نیست او مثل عروسک خودکار همینطور سرش را بالا پایین می برد و بله بله می گوید، من هم باد در غنغب می اندازم که چه نطق غرابی کردم پسرم

◀ لطفا" ورق بزنید

دخترم حرفهای مرا تحویل گرفت ، نه ، حرفهای شما را تحویل نگرفته ، اگر هم حرف رابفهمد چون در شما عمل نمی بیند خلافتش را عمل خواهد کرد، او فعلا قدرت استدلال ندارد . به هر حال منظور این است که رفتار پدر و مادر در مورد مسائل دینی الگوست ، سرمشق است . "فروید" یک حرف خیلی خوبی دارد او می گوید برای نوجوان ها درسین پایین و کودکان در سنین بالاتر پدر نمونه خداست ، نکته جالبی است یعنی اگر پدر در مقابل فرزندش یک پدر عبوس اخمو ، بد دهن و بداخلاق باشد در حقیقت چقدر گناه می کند ، زیرا فرزند ، خدا را در قالب وجهه و رفتار پدر ، یعنی چنین چیزی تصور می کند .

اما در مورد سئوالات کودکان راجع به خدا ، کودکان باید تصور زیبایی از خالق مهربان و از خدای یکتای خود داشته باشند و ترس و لرز به وجودشان راه پیدا نکند . راه ایجاد چنین احساسی این است که پدر ، مادر و مربی وقتی از خدا صحبت می کنند و کلمه خدا بر زبانشان جاری می شود با یک آرامش ، با یک لبخند ، با یک خیال راحت این جمله و کلمه را ادا بکنند که



در ذهن بچه های عزیز ما اثر نیکویی داشته باشد . می دانید کودکان در سنین تا شش هفت سالگی قصه و افسانه را خیلی دوست می دارند و غالبا " با قصه و افسانه هم خواب می روند و لذا قصه های زیبا و لطیف دینی که برای اینها انگیزه داشته باشد ، به اینها شهامت دینی ببخشد ، برای اینها لطافت دینی داشته باشد خیلی جالب خواهد بود . مثلا " آرزندگی حضرت فاطمه برای دخترها مان بگوئیم ، از زندگی امام حسین از زندگی معمولیش نه تنها جنگ وجدال صحرای کربلا ، از محبت هایش ، با خدمتگارش چقدر مهربان بود ، با فرزندانش ، با همسرش و از دوران کودکی شان و همینطور از خاطرات کودکی علمای ارجمند دین ، از این قصه ها

برای اینها بگوییم. بچه قصه را خیلی راحت تر می پذیرد. گفتن چنین داستانهایسی برای بچه‌ها، زیبایی دین را جلوه می‌دهد و روحانی را برای خود یک دوست تلقی می‌کند، یک همراه تلقی می‌کند یعنی می‌خندد خوش می‌آید از مسئله و می‌بیند برای این بزرگان هم دوران کودکی بوده و نوجوانی بوده و لذا با این گرایشها پرورش می‌یابند.

مربیان گرامی توجه داشته باشید: از اینک— وحشت، خشونت و ترس در رابطه با دین و در رابطه با خدا در بچه ایجاد نکنید شدیداً " پرهیز شود، با بچه‌های زیرشش سال هرگز از آتش جهنم حرف نزنید، مگر بهشت چی شده. می‌دانید آخر مسئله این است که بچه شش ساله برداشت دقیق و درستی از گناه و صواب، از رحمت و بخشش خدا ندارد و وقتی ما از جهنم سوزان صحبت می‌کنیم فلسفه وجودش چیست. یا امکان مورد بخشش قرار گرفتن هم هست، ایسمن برداشت‌ها را به صورت قوی ندارد. نباید از خدا چیز وحشتناک بسازیم، از جهنم، از آتش جهنم، از مجازاتهای شدید و آنچنانی برای بچه صحبت نکنیم و دقیقاً " او را به یک راه سالم خداشناسی و دین، انشالله رهبری کنیم. در پایان بحث یادآوری می‌کنم یکی از مؤثرترین راههای پرورش خوب و والای یک انسان توجه به آزادی اوست، ما صحبت در سنین بزرگی از این لحاظ فعلاً " نمی‌کنیم اما همین مسئله را در مورد بچه‌ها حتماً " ما باید اعمال کنیم یعنی چه؟ یعنی انسان آزاد آفریده شده، خدا رحمت کند جان دیوئی را، او یک فیلسوف و یک روانشناس آمریکایی است مکتبی آورد در مورد تعلیم و تربیت و گفت باید کودکان را آزاد گذاشت تا شخصیتشان شکل بگیرد و مسیر صحیح زندگیشان را پیدا کنند، تنها باید آنها را هدایت کنیم، البته این با توجه به محدودیت‌های گذشته و امر و نهی‌هایی که قبلاً " پدر و مادرها به فرزندان‌شان می‌کردند اندکی اخلال در خانواده‌ها ایجاد کرد، معذراً جان دیوئی حتی در اواخر عمرش برای مکتب تاءکید کرکاً واصل هم‌براین است. یعنی اگر می‌خواهیم کودک را نماز خوان بار بیاوریم مخصوصاً " در سنین پایین تر و دوران کودکی اول، دوم، سوم، اجباری نداشته باشیم والا وقتی بزرگ شد، از زیر بار آن به اصطلاح فرار می‌کند. اما اگر این رفتار معقول را خودش آزادانه بپذیرد همیشه آن را با خودش خواهد داشت و آنهم بصورت صادقانه و صمیمانه.

در این مورد خاطره‌ای دارم: چندی پیش سفری رفته بودم، در منزل یکی از دوستان بودیم اول شب بود و قرار شد نمازمان را بخوانیم. گفتند جا نماز بیاورند، از اطاق دیگر سه چهار تاجله نماز را داده بودند دست پسر بچه چهار ساله‌ای که به اطاق ما بیاورد. پدر هم حضور داشت این کودک وقتی وارد اطاق شد سه‌تا جانماز را زده بود زیر بغلش، یک راست رفت طرف گوشه اطاق مثل یک پناهگاه و گفت به هیچکس نمی‌دهم. من دیدم پدرش با یک حالت تقریباً " صرص و خشونت به طرف او می‌رود تا جا نمازها را بگیرد با یک اشاره مانع شدم، گفتم نه، این جور نکنید، سپس یک جمله به او گفتم و آن جمله این بود: " هر سه جانماز را خودتان می‌خواهید باز کنید؟ " یک دفعه با همه وجودش برگشت به طرف ما و گفت: " بله، می‌خواهم خودم باز

بقیه در صفحه ۲۷

# عیدی بچه‌ها

عیدی کودکان باید با توجه به روحیه، ذوق و سلیقه آنان و اثراتی که در رشد و تکامل فردی و اجتماعی آنها خواهد داشت انتخاب گردد.



کودکان را باید متوجه نمود که پرازش‌ترین هدیه چیزی است که برای تهیه آن، هدیه‌دهنده زحمت کشیده و روی آن کار کرده باشد.

دادن هدایای گرانقیمت و پول زیاد به کودکان باعث می‌شود که آنان بتدریج محبت اطرافیان را به میزان ارزش مادی هدایا بسنجند.

خواهیم بخریم."

بدون شک علاقه و اشتیاق دوستم برای خرید طلا تا حدود زیادی از احساس ناامنی و نگرانی او نسبت به آینده سرچشمه می گیرد و گرنه هدایای فراوان دیگری را می توان برای یکدختر دهساله در نظر گرفت که باعث سرور و خوشحالی و ضمناً "سرگرمی او شود .

اگر ما بهنگام خرید هدیه برای فرزندانمان نگرانیهای همیشگی خود را تا حدی فراموش کرده و بجای آن به ذوق و سلیقه و روحیه آنان فکر کنیم قطعا "هدایای مناسبی می توانیم برایشان تهیه نمائیم .

#### عیدی ، وسیله‌ای برای ابراز محبت

بسیاری از افراد با نزدیک شدن اعیاد رسمی و موسم هدیه دادن و هدیه گرفتن بجای استقبال از چنین رسم فرخنده با بیاد آوردن محدودیتهای مالی خود غمگین و افسرده می - شوند. در حالیکه هیچ لذتی بالاتر از هدیه دادن و خوشحال کردن دیگران نیست و این مراسم نیکو نباید بهانه ای برای ناراحتی خیال و یا احوالنا " از دست دادن بودجهای بشود که می تواند راهگشای بسیاری از مسائل اساسی زندگی باشد .

انتخاب هدیه ای مناسب برای عیدکه متناسب با ذوق و سلیقه کودکان بوده آنها را خوشحال و سرگرم کند و ضمناً "گران ، خطرناک و پیچیده نباشد به مقدار زیادی بستگی به شناخت ما از روحیه کودک و توجه به اثراتسی دارد که آن هدیه در رشد و تکامل فردی و اجتماعی او خسوا هدگذارد .

در یکی از آخرین غروبهای اسفندماه در پیاده رو خیابانی درست جلوی مغازه جواهر فروشی همکار قدیمی ام رامشاهده کردم . او چنان غرق تماشای ویتترین مغازه بود که متوجه حضور من نشد . باخنده پرسیدم :

— مثل اینکه داری برای دوستان عیدی انتخاب می کنی ؟

سرش را برگرداند . لبخندی زد و مطابق معمول همراه با آه سردی گفت :

— ای بابا کارمند دولت راجه به این حرفها ! مافقط تماشا می کنیم .

سپس داخل ویتترین رانشانم داد و گفت :

— این زنجیر ظریف با آن مرغابی کوچک طلائی رامی بینی ؟ چقدر برای عیدی شهلا مناسب است .

از آنجا که شهلا دختر همکارم فقط دهسال دارد . پرسیدم :

— فکر نمی کنی برای او صدها عیدی جالبتر و سرگرم کننده تری از یک زنجیر طلا وجود داشته باشد .

با تعجب پرسید :

— چه چیزی می تواند بهتر از طلا باشد ؟ طلا همیشه برای آدم می ماند . بعلاوه ارزشی هم روز بروز بالاتر می رود . به چهره خسته و رنگ پریده او که خستگی یک روز طولانی و پرکار را منعکس می کرد خیره شدم و بیاد گلهها و شکایات همیشگی او از بالا رفتن قیمتها - نارسائیها و کمبودهای زندگی افتادم و ملامتهائی که دائما " نثار خود یا شوهرش می - کرد که : اگر وارد بخش خصوصی شده بودیم حالا بجای تماشای ویتترین هامی توانستیم با سرافرازی داخل مغازه ها بشویم و هرچه می -



## برای هر هدیه زمان خاصی وجود دارد

در حالیکه کودک هنوز قادر به کنترل خود نیست و پاهایش برحمت به رکاب دوچرخه می رسد. تلاشهای ناموفق چنین کسودکی و زمین خوردن های مکرر و چه بسا اعتماد بنفس اورانیز از وی بگیرد و علاقه به دوچرخه سواری را برای همیشه در او از بین ببرد.

در همین زمینه باید از خرید هدایائی که بازی با آن باعث دردسر و درگیری با سایرین خواهد شد مانند شیبور، تفنگ، طبل و اسباب بازیهای پرسروصدا که آرامش افسراد خانواده را خواهد گرفت خودداری شود.

باید دانست که ارزش تجارتي یک هدیه غالباً ارتباطی با ظرفیت خوشحال کنندگی و ارزش تربیتی آن ندارد و در بسیاری از مواقع ساده ترین و ارزانتین اسباب بازی بیش از اسباب بازیهای گرانقیمت برای کودکان ارزشمند است زیرا هدایای گرانقیمت را اولیاء از بیم شکستن و یا خراب شدن غالباً با آکراه در اختیار فرزندان خود می گذارند، بنابراین کودکان نخواهند توانست با آرامش و فراغ بال با آنها بازی کنند.

برای سنین مختلف چه نوع هدایائی مناسب است.

تنها خرید یک هدیه زیبا و جالب کافی نیست، مهم این است که کودکان بتوانند با آن سرگرم شوند و از آن به عنوان وسیله ای برای رشد همه جانبه خود استفاده کنند.

بهترین هدیه برای کودکان چیزی است که با آن بتوانند کاری انجام دهند، چیزی بسازند آنرا خراب کرده دوباره درست کنند و ضمن این فعالیتها تجربیاتی کسب کنند و چیزی

برخی از اولیاء با انتخاب هدایائی که هنوز برای سن و سطح ادراک و توانائی کودک زود است نشاط و سرور بازی را از او می گیرند. مثلاً "پدري برای فرزند دوسه ساله خود به عنوان عیدی یک ترون برقی می خرد و مدتها وقت صرف می کند تا قطعات کوچک ترون را بهم وصل کرده و آنرا راه بیندازد اما از اینکه می بیند فرزندش بجز چند لحظه اول اشتیاق چندانی به این دستگاه پیچیده نشان نمی دهد متعجب و ناراحت می شود. در حالیکه تعجبی ندارد و این پدر در حقیقت این اسباب بازی را در اثر اشتیاق درونی خود و بطور ناخودآگاه برای خودش خریده است.

و یا مادر جوانی که برای فرزند خردسال خود دوچرخه ای می خرد زیرا تصور دوچرخه سواری پسر کوچکش او را غرق در غرور و لذت می کند





بیاموزند .

می کند .

در این مورد خرید وسایل کوچک آشپزخانه مهمانخانه، حمام و غیره برای عروسک بازی و مهمان بازی باعث خواهد شد که کودکان نقشها و وظائف آینده خود را نیز تمرین کنند و تجربیات گرانبهائی در این زمینه کسب کنند . برای کودکان کنجکاو و علاقمند دورهٔ دبستان علاوه بر اسباب بازیهایی که شرح داده شد خرید یک سری کتابهای کمک آموزشی در مورد گیاهان، جانوران، انسانهای اولیه، تاریخچه لباس، خانه، قصه‌های شیرین کشورهای مختلف و مطالب مشابه که بتواند به شناخت و آگاهی کودکان بیفزاید چنانچه با سن و سطح معلومات آنان مطابقت داشته باشد ساعتها آنان را سرگرم خواهد کرد .

در همین زمینه هدایایی که خلاقیت و سازندگی را در کودکان رشد دهد هدایای مناسبی برای آنان خواهد بود . یکدختردهساله

لطفاً " ورق بزنید "

در عین حال که برای کودکان یک تا دوساله اسباب بازیهایی مانند عروسکهای نرم پارچه‌ای و حیوانات پشمالو و اسباب بازیهایی که بتوانند به آن نخ بسته دنبال خود بکشند و یا «کعبه‌های درشت چوبی یا پلاستیکی مناسب است ، برای کودکان دونا ۴ ساله علاوه بر اسبابهای فسوق چیزهایی مانند تاب ، کالسه عروسک ، یکسری ماشینهای کوچک ، توپ ، حیوانات اسباب بازی تلفن و اسبابهای مشابه می تواند بسیار سرگرم کننده باشد .

برای کودکان بزرگتر مثلا در سنین کودکی هدایایی که بتواند وسیله‌ای برای بازیهای گروهی باشد بسیار مناسب است زیرا در این سن کودک که تا کنون علاقمند به بازی با خود بوده و از بازیهای انفرادی لذت می برد، به بازیهای دسته جمعی تمایل بیشتری پیدا می کند و صاحب با دوستستان لذت بازی را در او افزایش داده به رشد اجتماعی او نیز کمک

نوجوانان خانواده و آگاهی بیشتر از علائق و آرزوهای این گروه سنی ، خواهند توانست هدایای مناسبی برای آنان تهیه کنند .

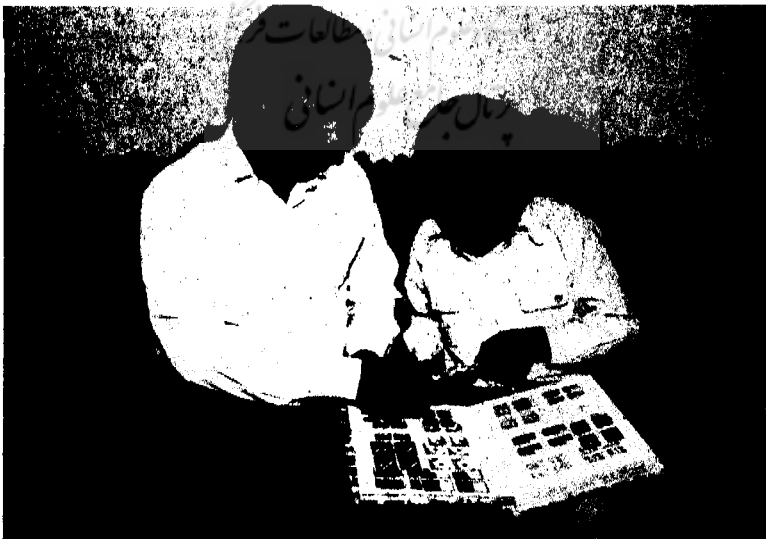
دوستی را می شناسم که قبض ثبت نسام یکدوره شش ماهه کلاس زبان را به دختر نوجوانش که علاقمند به یادگیری زبانهای خارجی بود هدیه کرد . همکار دیگری قبض آبنما یکساله یک مجله ورزشی را به فرزندش عیدی داد و فرد باذوق دیگری باخرید یک کتاب قطور و جالب آشپزی و یک پیش بند زیبا برای دختر سیزده ساله اش به او مژده داد که می تواند از این بهعد در هفته یکروز مسئولیت آشپزی خانواده را به عهده بگیرد . این هدیه که با تشویق و ابراز احساسات سایر افراد خانواده همراه گردید برای دخترک بسیار هیجان انگیز و غرور آفرین بود .

سلما" از دریافت یک مجموعه کاموهای رنگین و میل بافتنی و نیز کمک و راهنمایی مادرو اطرافیان خود برای بافتن مثلا" یک شال گردن یا دستکش بسیار استقبال خواهد کرد و با دریافت این قبیل هدایا هنر جدیدی را خواهد آموخت که در صورت موفقیت در آن و بر خورداری از حوصله و تشویق مادرو دیگران در راه تکمیل آن قدم خواهد برداشت . این هدایا برای آینده او سرمایه ای خواهند بود و ارزشی به مراتب بیش از یک زنجیر طلا برای او خواهند داشت .

خرید ابزار و وسایل نقاشی ، کاردستی نجاری و مکانیکی به همین ترتیب دختران و پسران دبستانی را خوشحال و سرگرم خواهد ساخت .

انتخاب هدیه برای نوجوانان ظاهرا" کار مشکلتری بنظر می رسد اما اگر اولیاء نسبت به روحیه و سلیقه فرزند نوجوان خود تاحدی شناخت داشته باشند و نیز بامشورت با سایر

به فرزندان خود هنر هدیه گرفتن را نیز بیاموزیم به همان اندازه که دریافت هدایا کودکان



برای چشم و هم چشمی و رقابت بین بچه ها گردد و در نتیجه بزرگ سالان را برای دادن عیدی بیشتر به زحمت و درد سر اندازد مبارزه کرد. دادن هدایای گرانقیمت و عیدیهای سنگین باعث می شود که کودکان بندریج محبت را به میزان قیمت هدیه بسنجند. اگر مایلید چیز گران قیمتی برای کودک بخريد بهتر است حساب آنرا از حساب عیدی جدا کنید. به کودکان بیاموزید که مهم نیت و عمل هدیه دهنده است و برای هر هدیه هر چه قدر هم کوچک و جزئی، باید با نهایت محبت و صمیمیت تشکر کرد و حداکثر استفاده را از آن نمود. بنا بر این ارزش انسانی هدیه است که باید مورد تقدیر قرار گیرد نه ارزش مادی آن. به هر حال اعیاد رسمی، فرصتی مناسب برای تبادل و ابراز محبت بزرگسالان به کوچکترها بشمار می روند و هدایای ما چنانچه از روی تفکر و دقت انتخاب شده باشد به بارور شدن نهال محبت و حقیقت سنجی در دل خردسالان و رشد عاطفی و اجتماعی آنان کمک خواهد کرد\*

زهره حجازی

را خوشحال می کند لازم است آنان هنر قبول حقیقت سانه هدایا را نیز بیاموزند و بنحوی آگاه گردند که در دنیای مصرفی امروز که هر لحظه به تنوع اسباب بازیها و وسایل سرگرمی افزوده می شود پرارزش ترین هدیه چیزی است که برای تهیه آن، هدیه دهنده زحمت کشیده و روی آن کار کرده باشد. یک نقاشی کوچک چند سطر شعر، یک گاردستی، چند شاخه گل چند عدسیرینی خانگی می تواند بهترین هدیه برای دوستان و همکلاسیها باشد.

نکته دیگر اینکه باید مانع شویم از اینکه کودکان محبت را با پول و قیمت هدیه بسنجند. برخی از کودکان عیدی اطرافیان را سبک سنگین کرده و آنرا وسیله ای برای تفاخر به یکدیگر قرار می دهند. مثلا "دائم می پرسند:

— عمو چقدر بنو عیدی داد؟ تو چقدر جمع کرده ای؟  
و یا

— خاله امسال چقدر کم داد!

باید باین طرز تفکر که عیدی وسیله ای

